

Review Article

Tongue Reflects Health Status: A Review on Manifestations of Tongue Detected in Different Diseases from the Viewpoint of Persian Medicine

Zahra Majidi¹, Maryam Mohammadi Araghi², Meysam Shirzad^{3*}

1. Pharm D, Ph.D. Candidate, Department of Traditional Pharmacy, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. M.D., Ph.D. Candidate, Department of Persian Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. M.D., Ph.D., Assistant Professor, Department of Persian Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: shirzadmd@gmail.com

Received: 1 Oct 2018 Accepted: 29 Dec 2018

Abstract

Background and Aim: The tongue is a meaty organ that receives vessels and nerves much more than primarily expected. Since the texture of the tongue is porous and it is exposed to high amount of vapor coming from lower organs, especially stomach, changes in body temperament and appearing disorders in other organs can affect the tongue easily. So its color is one of the important signs that help the physician's approach, meantime, the effect of brain, stomach, and liver disorders on this organ are stronger. The aim of this study was a review on Persian Medicine (PM) manuscripts to find out the way Persian sage physicians approached to tongue diseases, categorized it and treated it.

Materials and Methods: The most valuable textbooks of PM such as Exir-e-Azam, Tebe Akbari, Kholasat-al-tajareb were studied. We reviewed and analyzed the disease under the title of "tongue" and studied different effects of diseases on the tongue.

Findings: The most important organs reflect their diseases on tongue are brain, stomach and liver. Any significant injury in these organs can change the color, taste, form and the moisture on the tongue. For instance, color of the tongue in brain diseases changes to white in dementia, yellow and black in qarānītos (hot inflammation of the brain) and yellow and green in epilepsy. Furthermore, thickness or narrowing of the tongue reflects preponderance of wetness or dryness, respectively.

Conclusion: It was concluded from the study that attention to the tongue as an auxiliary diagnostic tool can open new ways to improve the process of diagnosis and treatment in the field of PM.

Keywords: Tongue Diagnosis; Persian Medicine (PM); Manifestations

Please cite this article as: Majidi Z, Mohammadi Araghi M, Shirzad M. Tongue Reflects Health Status: A Review on Manifestations of Tongue Detected in Different Diseases from the Viewpoint of Persian Medicine. *Med Hist J* 2019; 10(37): 103-123.

زبان آینه بدن: شناخت دلائل و علائم زبان، مهارتی برای تشخیص در طب ایرانی

زهرا مجیدی^۱، مریم محمدی عراقی^۲، میثم شیرزاد^{۳*}

۱. دستیار دکترای تخصصی داروسازی سنتی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکترای تخصصی طب سنتی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه طب ایرانی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) Email: shirzadmd@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۸

چکیده

زمینه و هدف: زبان اندامی گوشتی است که رگ‌ها و اعصاب، بسیار بیش از اندازه آن بدان می‌رسند. از آنجا که جرم آن نازک و عضوی است متخلخل و بخارپذیرنده، از تغییر کیفیات و اخلاط بدن به ویژه معده زودتر متأثر می‌گردد. بدین سبب رنگ آن از نشانه‌های مهمی است که به علامت‌شناسی بدن کمک می‌کند که در این میان تأثیر تغییرات عارضی دماغ، معده و کبد بر آن قوی‌تر است. هدف از این مطالعه، شناخت زبان و اثرات بیماری‌های مختلف بر آن می‌باشد تا با شناخت دقیق آن به الگوی جدید در دسته‌بندی و درمان یافت.

مواد و روش‌ها: بدین منظور متون معتبر طب ایرانی از قبیل اکسیر اعظم، طب اکبری و خلاصه التجارب مورد بررسی قرار گرفتند. مطالب مربوط به زبان ذیل عنوان «زبان» و اثرات بیماری‌های مختلف بر زبان جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: بررسی منابع طبی نشان داد، به طور کلی اثراتی که بر زبان دیده می‌شود، بیشتر ناشی از سه عضو مغز، معده و کبد است. آسیب در این ارگان‌ها موجب تغییر در رنگ، طعم، شکل و میزان رطوبت زبان می‌شود. دلایل مأخوذ از حال زبان که دلالت بر بیماری‌های دماغ می‌کند، مشتمل بر این تغییرات است: سفیدی بر نسیان، زردی و سیاهی بر قرانیطس (ورم گرم دماغ)، و زردی رو و سبزی زیر زبان بر مصروعیت فرد دلالت دارد. همچنین ضخامت یا لاغری زبان، غلبه رطوبت یا خشکی را نشان می‌دهد. علائم و نشانه‌های تشخیصی زبان ناشی از بیماری دیگر اعضا نیز در مقاله به تفصیل بحث شده است.

بحث: تغییرات جالبی که هر یک از اختلالات طبی به ویژه در سه عضو یادشده بر زبان باقی می‌گذارد، آن را به عنوان یک آزمون تشخیصی سهل‌الوصول، سریع و غیر آزارنده برای بیمار مطرح می‌کند. علاوه بر تغییرات در رنگ و شکل ظاهری زبان که ممکن است توسط بیمار کشف شود و پزشک آن را مورد واکاوی قرار دهد. برخی علائم و نشانه‌ها مانند احساس گرمی و سردی، تغییر در نوع سخن گفتن یا احساس سنگینی از جمله تظاهراتی هستند که ممکن است چندان توجه بیمار را به خود جلب نکنند، اما مذاقه پزشک حاذق و اخذ شرح حال هدایت‌کننده مسیر تشخیص را هموار می‌کند.

نتیجه‌گیری: می‌توان با بررسی زبان به عنوان نماد کوچکی از وضعیت اخلاط بدن اطلاعات ذی‌قیمتی به دست آورد. از این رو مرور مطالعات انجام‌شده با توجه به زبان به عنوان یک ابزار کمکی می‌تواند راه‌های جدیدی برای بهبود روند تشخیص و درمان از دیدگاه طب ایرانی باز کند.

واژگان کلیدی: زبان؛ لسان؛ طب ایرانی؛ تشخیص

مقدمه

زبان اندامی گوشتی، شل و سفید است که رگ‌هایی کوچک و بسیار پرخون دارد. از این رو رنگ آن سرخ می‌باشد. سرخرگ‌ها، سیاه‌رگ‌ها و اعصاب فراوان، بیش از اندازه آن بدن می‌رسد. دو دهانه‌ای که بزاق از آن سرازیر می‌شود، در زیر آن فراگرفته است. بزاق در بافت غده‌ای شل ساخته می‌شود که جایگاه آن زیر زبان است. این بافت را سازنده بزاق می‌نامند. بزاق سبب ماندگاری تری طبیعی در دهان می‌گردد (۱). از جمله فواید بزاق تری، روانی و نرمی زبان و دهان است تا زبان به واسطه تری جهت حرکت و سخن گفتن بهتر اثر پذیرد. زبان دو رگ بزرگ سبز واقع است و از این رگ‌ها شعبه‌های بسیاری متفرق شده و در جرم زبان منتشر شده است. این دو رگ بزرگ را سردین نامند. برای حرکت زبان، عصب‌ها و عضله‌های مخصوصی در زبان واقع است (۲).

از جمله عملکردهای زبان: ۱- گرداندن غذا در دهان: به طوری که تمام غذا با آب دهان تر و نرم می‌شود، همچون آسیابی که برای خوب آسیاب کردن همه چیز را در هم می‌آمیزد؛ ۲- سهولت در بلع غذا: با نرم کردن غذا و هدایت غذا به مری موجب راحتی بلع می‌گردد؛ ۳- ایفای نقش در سخن گفتن: آواها و حروف به کمک زبان و لب و دندان‌ها ساخته می‌شوند، این کار زبان، ارزشمندترین کار آن محسوب می‌شود که موجب وجه تمایز انسان از سایر موجودات می‌گردد؛ ۴- عملکرد زبان در دفع نفت (ترشحات ریوی) و اخلاطی که از دماغ، سینه و معده به دهان وارد می‌شود (۲)؛ ۵- ابزار حس چشایی: زبان توانایی جداسازی مزه‌های خوب از بد دارد، چون مزه‌های خوب، در اغلب موارد با جسم آدمی سازگارند. زبان با این جداسازی موجب حفظ صحت بدن می‌گردد (۱). موضع این حس عصبی است که در جرم زبان موجود است و آن را متصل به مقدم دماغ (موضع حس مشترک) می‌کند. درک طعم‌ها توسط زبان به واسطه رطوبت لعابی که در لحم رخو (سست) غددی در انتهای زبان است، به مشارکت اعصاب انتهایی زبان با رساندن به حس مشترک (نیرویی که همه محسوسات به آن می‌رسند و پذیرای صور نوعی آن محسوسات می‌گردد و در آن گرد می‌آیند) در دماغ ممکن می‌گردد (۳).

از آنجا که جرم زبان نازک و عضوی است متخلخل و بخار پذیرنده (۴)، از تغییر کیفیات بدن و غلبه اخلاط و آسیب سایر ارگان‌ها زودتر متأثر می‌گردد (هنگامی که حرارت بدن بر اخلاط رطب و یابس بدن عمل می‌کند، چیزی که از آن بلند می‌شود بخار نام دارد). بدین سبب رنگ زبان از مهم‌ترین ابزار علامت شناسی بیماری‌های بدن است، چنانچه مزاج عارضی بر بدن بر رنگ زبان اثر می‌گذارد. تأثیر تغییرات عارضی دماغ، معده و کبد بر آن قوی‌تر است (۶).

بهترین شکل زبان آن است که معتدل در طول و عرض بوده و کناره‌های آن باریک باشد. زبان دو قسمت چسبیده به هم هست، فایده دو قسمت‌بودن آن در این است که اگر آسیبی به یک نیمه و طرف رسد، نیمه دیگر محفوظ می‌ماند و فایده متصل‌بودن دو قسمت به هم در این است که موجب سهولت تکلم، جویدن و بلع است. بنابراین اگر دو نیمه به صورت منفصل مثل زبان مار بود، کار آن سخت می‌شد (۳). در مطالعه‌ای که فراهی و همکاران منتشر کرده‌اند، با اشاره به بحث زبان در طب ایرانی و مقایسه آن با طب چینی ضمن اشاره تفصیلی به جایگاه زبان در طب سنتی چین، اشاراتی به دلالات نشانه‌های زبان در طب ایرانی به بیماری‌اندازه‌هایی از جمله مغز و کبد دارد. در این مطالعه به صورت اجمالی به شاخص‌هایی از جمله رنگ، ثقل، بزرگی، خشکی، خارش، سوزش و برخی اختلالات از جمله ورم زبان، حرقت و نیز بطلان و فساد ذوق اشاره می‌کند. همچنین بیان می‌کند شاخص‌های مرتبط با زبان به صورت متمرکز و منسجم در منابع طبی بیان نشده است و عمده آن‌ها به طور پراکنده در خلال بیماری‌های دیگر مطرح شده است. این مقاله نهایتاً طراحی و استانداردسازی پروتکل‌ها و ابزارهای تشخیصی طب سنتی را ضروری عنوان می‌کند (۶).

شناخت انواع بیماری‌های زبان و بیماری‌های اثرگذار بر زبان با توجه به تغییرات به وجودآمده در علائم و نشانه‌های مرتبط با زبان از جمله رنگ، طعم، تری و خشکی، حرکت، شکل، درشتی و نرمی صورت می‌گیرد. در این مطالعه این موارد به تفکیک و تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری توصیفی است که در آن متون معتبر طب ایرانی شامل اکسیر اعظم، طب اکبری، خلاصه التجارب، الاغراض الطیبیه و المباحث العلانیه، کلیات قانون ابن سینا، المنصوری فی الطب، بستان الاطباء و روضه الالباء، تذکره العلاج، طب یوسفی، خفی علائی، خلاصه الحکمه، رساله براء الساعه، ذخیره خوارزمشاهی، رساله غیائیه، قانونچه فی الطب، کفایه المنصوری، مفرح القلوب و میزان الطب مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش مطالب مربوط به بیماری‌های زبان و بیماری‌های اثرگذار بر زبان جمع‌آوری و فیش‌برداری شد. سپس ضمن مقایسه فیش‌ها در هر زیرعنوان، مطالب مورد تجزیه و تحلیل محتوایی قرار گرفت. در مرحله بعد اختلافات، اشتراکات و افتراقات جمع‌بندی و بررسی شدند.

یافته‌ها

۱- رنگ

رنگ زبان از جمله شاخص‌هایی است که اطلاعاتی در خصوص اعضای مختلف به دست می‌دهد. شیخ‌الرئیس در قانون می‌نویسد: «لون اللسان علی مزاج العروق الساکنه و الضاربه فی البدن قوی؛ رنگ زبان دلالت نیرومندی در تشخیص مزاج شریان‌ها و وریدها دارد» (۷). این جمله گمان آن را در ذهن پرورش می‌دهد که تغییرات رنگ زبان به شکلی می‌تواند وضعیت عروق بدن را که به گونه‌ای مشخصی در بافت زبان به شکل گسترده و پرحجم حضور دارد، تفسیر کند. ابن سینا همچنین در جای دیگر آورده است: «و لیس الاستدلال بلون اللسان، کالاستدلال بلون العین فإنّ ذلك شدید الاختصاص بالدماغ و أما لون اللسان، فقد یستدل به علی أحوال المعدة لکنه إذا علم أن فی الدماغ آفة، لم یبعد الاستدلال به؛ دلالت رنگ زبان همانند دلالت رنگ چشم نیست، زیرا [چشم] اختصاص بسیاری به مغز دارد، در حالی که از رنگ زبان می‌توان به وضعیت مغز پی برد، اگرچه در صورتی که دانسته شود که در مغز آفتی بروز کرده است، دلالت [رنگ زبان] به مغز دور از انتظار نیست» (۷). از این رو هرگاه اختلال دماغی بروز کند، می‌توان

انتظار داشت که تغییراتی در رنگ زبان دیده شود. زبان ممکن است به رنگ‌های سفید، زرد، سرخ یا سیاه تغییر رنگ پیدا کند.

۱-۱- سفید: مطابق با شکل ۱.

۱-۱-۱- تغییر رنگ با منشأ عام: سوءمزاج بارد رطب (غلبه بلغم) در کل بدن می‌تواند زبان را به رنگ سفید درآورد (۶).
 ۱-۱-۲- دماغ: از علل دماغی می‌توان به وجود ماده بلغمی در سر، سرسام بلغمی، نسیان همراه با کثرت آب دهان، سستی در سخن‌گفتن و به تکلف جواب‌دادن، سبات (خوابی) طویل و عمیق و سنگین که صاحب آن به دشواری بیدار می‌شود) به سبب تجمع رطوبات خام در مقدم دماغ (با علت سردی و تری) همراه با جاری‌شدن آب غلیظ از دهان و تهیج (آماس یا ورمی است که هنگام لمس موضع ورم احساس نرمی شود) زبان اشاره کرد (۸-۹).

۱-۱-۳- معده: علل معدی تغییردهنده رنگ زبان به سفید شامل موارد زیر است: سوءمزاج بارد ساذج و بارد رطب ساذج معده که همراه با کثرت اشتها، آروغ ترش و بلع دشوار طعام از معده است. سوءمزاج بارد رطب با ماده بلغمی لزج معده که همراه با کاهش اشتها، آروغ ترش و غثیان رنجه (عدم دفع به موقع به علت لزوجت ماده) است. سوءمزاج رطب ساذج معده که همراه با کثرت آب دهان، تنفر از اغذیه رطب و کاهش عطش است (۹).

۱-۱-۴- کبد: غلبه برودت و رطوبت همراه با کثرت آب دهان و کاهش عطش (۹). یرقان اسود که منجر به کثرت بلغم در معده می‌گردد (۲).

۱-۱-۵- کیسه صفرا: انسداد مجرای صفرا منجر به عدم انصباب آن به معده شده و باعث برودت معده، سپیدی زبان و زردی صورت می‌شود (۲).

۲-۱- زرد: مطابق با شکل ۲.

۲-۱-۱- تغییر رنگ با منشأ عام: سوءمزاج حار یابس (غلبه صفرا) در کل بدن می‌تواند زبان را به رنگ زرد درآورد (۶).
 ۲-۱-۲- دماغ: وجود ماده صفراوی در سر، صداع صفراوی همراه با تلخی و خشکی زبان، صبارا (جنون مُفرطی است که به همراه سرسام حار صفراوی عارض می‌شود. در این حالت

۴-۴-۱- منشأ رحم: ورم گرم رحم همراه با ضربان و تشنگی و هذیان (گفتار بیپوده و پرت و پلا) (۱۵).

۵-۱- ابتدا سرخ، بعد زرد، بعد سیاه: تغییر رنگ زبان در حمیات حاده (۶) این روند سه‌گانه را طی می‌کند و در اواخر تب محرقه صفراوی (۱) گرایش از زردی به سیاهی دیده می‌شود.

جدول ۱ ارتباط رنگ زبان را با اختلال اخلاط و اندام‌ها نشان می‌دهد.

۲- طعم

طعم دهان که به صورت عمده توسط زبان حس می‌شود، از علائمی است که می‌تواند پزشک را به وجود اختلال در اعضای مختلف هدایت کند. طعم‌های مختلفی در دهان قابل حس می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌تواند به حموضت (ترشی)، حلاوت (شیرینی)، مرارت (تلخی)، عفوصت (گسی) و عفونت (ناخوشی) طعم اشاره کرد.

۲-۱- حموضت: ترشی ممکن است عام یا عضوی باشد.

۱-۱-۲- منشأ عام: سوءمزاج بارد رطب (غلبه بلغم) طعم ترشی در دهان ایجاد می‌کند (۴).

۱-۲-۲- منشأ دماغ: رطوبت رقیق همراه با حرارت ضعیف در سر (۶) و صرع دماغی با علت غلبه سودا همراه با کف جوشیده ترش و با حدت (۹) نیز می‌تواند در دهان طعم ترش ایجاد کند.

۱-۳-۲- منشأ معده: رطوبت رقیق همراه با حرارت ضعیف در معده، سوءمزاج بارد ساذج، بارد یابس ساذج و بارد رطب ساذج همراه با کثرت اشتها، زیادی ریح و آروغ ترش علل معدی این طعم در دهان هستند (۹).

۲-۲- حلاوت: این طعم دو منشأ دارد:

۱-۲-۲- منشأ عام: سوءمزاج حار رطب (غلبه خون)، علت عام شیرینی دهان است (۴).

۲-۲-۲- منشأ دماغ: غلبه خون در سر، زکام و نزله امتلائی دموی همراه با بوی بد دهان را شیرین مزه می‌کند (۹).

۳-۲- مرارت: ممکن است عام یا عضوی باشد.

۱-۳-۲- منشأ عام: سوءمزاج حار یابس (غلبه صفرا)،

مهم‌ترین علت عام تلخی دهان است (۴).

فرد دچار سرسام، به کلی دیوانه شده و پریشان می‌گوید) همراه با خشکی و درشتی زبان (۱۰)، قرانیطس (ورم گرمی که در پرده نازک و یا ستبر مغز بدون ابتلای جرم آن ایجاد می‌شود) خالص ناشی از صفرای خالص همراه با تلخی زبان و سخن بیپوشانه‌گفتن، سرسام صفراوی همراه با خشکی، تلخی، درشتی زبان و سخن بیپوشانه‌گفتن (۱۱) و در همه انواع صرع که روی زبان به رنگ زرد و زیرین آن به رنگ سبز می‌گراید (۹).

۳-۲-۱- معده: سوءمزاج حار صفراوی که همراه با تلخی دهان، غثیان و کاهش اشتها بروز می‌کند (۹).

۴-۲-۱- کبد: غلبه حرارت و یبوست همراه با خشکی زبان و کاهش اشتها (۹)، یرقان زرد همراه با تشنگی، تلخی زبان و کاهش اشتها دو علت مهم کبدی است (۱۲).

۳-۱- سرخ: مطابق با شکل ۳.

۱-۳-۱- تغییر رنگ با منشأ عام: سوءمزاج حار رطب (غلبه خون) در کل بدن می‌تواند زبان را به رنگ سرخ درآورد (۶).

۲-۳-۱- منشأ دماغ: ورم دموی سر، سرسام خونی همراه با درشتی و خشونت زبان (۱۱).

۳-۳-۱- منشأ معده: ورم دموی در معده همراه با درشتی زبان (۶).

۴-۳-۱- منشأ کبد: ورم دموی در کبد همراه با درشتی زبان (۶).

۴-۱- سیاه: مطابق با شکل ۴.

۱-۴-۱- تغییر رنگ با منشأ عام: سوءمزاج بارد یابس (غلبه سودا) (۶)، احتراق ماده اعم از صفرا، بلغم، خون و سودا (۶)، تب محترقه ناشی از صفرای سوخته یا بلغم مالح همراه با تشنگی عظیم و درشتی زبان (۶)، تب دق همراه با خشکی زبان (۱)، تب سوزاننده (محرق)، کاهش حرارت غریزی و نزدیکی موت (۶) رنگ زبان را به سیاه تغییر می‌دهند.

۲-۴-۱- منشأ دماغ: رنگ زبان در صرع سوداوی به سیاه تغییر می‌کند (۱۳).

۳-۴-۱- منشأ مثانه: ورم گرم مثانه همراه با درد سخت و گرفتگی بول (۱۴).

۳-۳-۳ - **حکک (خارش):** خارش در زبان با منشأ عام، دماغ و معده ممکن است به دلیل وجود خلط حاره محرقه لذاعه همراه با سرخی زبان به وجود آید. در این وضعیت تا زمانی که که فرد زبان را نخارد، آرام نمی‌گیرد و با مضمضه به آب گرم، تسکین می‌یابد (۹).

۳-۴-۳ - **برودت:** ناشی از غلبه تری دماغ، معده و کبد همراه با نرمی زبان (۶).

جدول ۳ ارتباط احساس زبان را با اختلال اخلاط و اندام‌ها نشان می‌دهد.

۴- میزان رطوبت زبان

۴-۱-۴ - **خشکی حقیقی:** زبان خشک و سطح دهان صاف (۶).

۴-۱-۱-۴ - منشأ عام: غلبه صفرا (۴)، غلبه سودا (۱).

۴-۱-۲-۴ - تب‌های حاره (۱۰)، در تب‌های حاره اگر خشکی زبان همراه با درشتی و زردی زبان باشد، نشان از نزدیکی مرگ دارد.

۴-۱-۳-۴ - گذر هوا بر روی زبان به سبب انسداد راه هوایی بینی (۱۰).

۴-۲-۴ - **خشکی با منشأ اندام‌ها:** این سوءمزاج از سه عضو مغز، معده و کبد ناشی می‌شود.

۴-۲-۱-۴ - منشأ دماغ: زبان خشک اما وجود رطوبت لزج روی سطح آن (۶).

- غلبه صفرا: در بیماری‌هایی چون صداع صفراوی همراه با تلخی زبان، سهر سباتی همراه با خشونت زبان، نسیان از نوع فساد تخیل ناشی از سوءمزاج صفرا (۹)، حمزه و قوبای دماغی همراه با رنگ و روی زرد (۱۰).

- غلبه سودا: مثل سرسام سوداوی (۶).

- غلبه خشکی یا حرارت: صداع ساذج حار همراه با عطش، سهر (بیخوابی مفرط) با علت سوءمزاج یابس ساذج همراه با خشکی بینی و چشم، مالیخولیا ناشی از مره سودا در سر، قطرب (نوعی مالیخولیا که باعث می‌شود فرد، از هر زنده‌ای فرار کند، دوستدار مجاورت با مرده و قبرها باشد و به کسی که می‌خواهد او را غافلگیر کند، هجوم آورد، شب‌ها پیدا می‌شود و روزها خود را پنهان می‌سازد، خلوت را دوست دارد و از مردم

۲-۳-۲ - منشأ دماغ: غلبه صفرا در سر، صداع صفراوی همراه با درشتی زبان و عطش (۱۰) زکام و نزله امتلایی صفراوی همراه با عطش (۹)

۲-۳-۳ - منشأ معده: سوءمزاج حار صفراوی همراه با غثیان و کاهش اشتها و سوزش معده، علت معدوی تلخی دهان است (۹).

۲-۴-۴ - **عفوصت:** از کل بدن ناشی می‌شود.

۲-۴-۱-۲ - منشأ عام: سوءمزاج بارد یابس (غلبه سودا)، باعث ایجاد طعم گس در دهان می‌شود (۶).

۲-۵-۲ - **عفونت:** اگر در دو عضو اصلی روی دهد.

۲-۵-۱-۲ - منشأ دماغ: وجود بلغم فاسد و عفونی در سر طعم ناخوش (که معمولاً به عنوان یکی از طعم‌های شناخته‌شده فوق‌الذکر بیان نمی‌شود) ایجاد می‌کند (۶).

۲-۵-۲-۲ - منشأ معده: وجود بلغم فاسد و عفونی در معده طعمی ناخوشایند ایجاد می‌کند (۶).

جدول ۲ ارتباط طعم زبان را با اختلال اخلاط و اندام‌ها را نشان می‌دهد.

۳- کیفیات محسوسه (احساس زبان)

۳-۱-۳ - **حرارت:** ناشی از غلبه حرارت و خشکی دماغ، معده و کبد همراه با درشتی و زبری زبان (۶) گرمی در زبان ایجاد می‌کند.

۳-۲-۳ - **حرقت (سوزش):** که ممکن است عام یا عضوی باشد.

۳-۲-۱-۳ - منشأ عام: غلبه زیاد صفرا همراه با تلخی و درشتی زبان (۱۶).

۳-۲-۲-۳ - منشأ دماغ: غلبه حرارت بر دماغ در بیماری‌هایی مثل مالیخولیای مراقی همراه با گرسنگی کاذب (۹).

۳-۲-۳-۳ - منشأ معده: اغلب ناشی از غلبه حرارت فم معده، سوءمزاج حار صفراوی همراه با تلخی زبان و غثیان و کمی اشتها، سوءمزاج بارد یابس (سودا) همراه با افزایش نفخ، کثرت اشتها و ضعف هضم، تجمع خلط مالح در معده همراه با عدم اشتها، غثیان رنجه و مزه شور زبان (۹).

۳-۲-۴-۳ - تناول چیزهای تیز یا تلخ یا شور (۹).

دوری می‌کند، در یک جای هیچ‌گاه یک ساعت آرام نمی‌گیرد، دائماً در حرکت است. با این همه بسیار بی‌آزار، اخمو و اندوهگین با روی زرد، زبان خشک و تشنه است) همراه با کثرت حرارت و زردی زبان، صبارا همراه با بیداری مفرط (۹).

۲-۴-۲- منشأ معده: سوءمزاج حار ساذج همراه با کاهش اشتها و آروغ دردناک، سوءمزاج یابس ساذج همراه با خشکی مفرط زبان، لاغری بدن و تشنگی، سوءمزاج حار صفرای همراه با تلخی دهان، غثیان و کمی اشتها، سوءمزاج حار یابس همراه با شدت تشنگی و لاغری که بیشتر در شیخ‌ها اتفاق می‌افتد، می‌تواند باعث خشکی بیش از حد زبان شود (۹).

۳-۲-۴- منشأ کبد: غلبه حرارت کبدی می‌تواند باعث خشکی زبان شود. این نوع خشکی علائم دیگری از جمله تلخی دهان و قلت اشتها، غلبه یبوست همراه با تشنگی و نحافت بدن ایجاد می‌کند (۹).

۳-۴- تری با منشأ عام: ناشی از دو خلط رطب است.

- غلبه بلغم (۸).

- غلبه دم (۴): هر دوی این موارد اگر به صورت عام در بدن اتفاق بیافتند، می‌تواند باعث ایجاد تری در سطح زبان شود.

۴-۴- تری با منشأ ارگانی: مربوط به سه عضو است.

۱-۴-۴- تری با منشأ دماغ: غلبه بلغم: غلبه بلغم دماغی در بیماری‌های زیر می‌تواند باعث زبان تر شود: صداع بلغمی، سبب با علت تجمع رطوبات خام در مقدم دماغ، سبب سهری، نسیان با علت غلبه برودت و رطوبت بر موخر دماغ، رعونت (بی‌خردی ناشی از نقصان یا بطلان افعال فکری) همراه با بلغم، کابوس (بیماری که در آن شخص احساس می‌کند که شخص سنگینی بر او نشسته و او را می‌فشارد و نفسش را تنگ می‌کند، در این حالت از صدا و حرکت بازمانده و امکان خفگی به او دست می‌دهد) با علت بلغم، صرع دماغی همراه با کف بالای دهان، سکتة با علت بلغم، زکام و نزله امتلائی بلغمی همراه با عدم احساس مزه در دهان و مالیخولیای مراقی همراه با گرسنگی کاذب و سوزش زبان (۹).

۲-۴-۴- تری با منشأ معده: سوءمزاج بارد ساذج و بارد رطب ساذج علامت تری در زبان ایجاد می‌کند. این علامت با

کثرت اشتها، آروغ ترش و فرود دیر طعام از معده همراه است. همچنین سوءمزاج بارد رطب با ماده بلغمی لزج همراه با عدم تشنگی، کاهش اشتها و آروغ ترش ایجاد می‌شود و زبان در آن تری دارد. نیز، سوءمزاج رطب ساذج که همراه با کاهش عطش و تنفر از اغذیه رطب می‌باشد (۹). نیز در اختلال بلع آمده است، اگر سوءمزاج مری و معده عامل دشواری در فروربردن باشد، می‌توان از روی بررسی سطح دهان و زبان (و یافتن ملاست و نرمی در آن) به نوع سوءمزاج پی برد (۷).

۳-۴-۴- تری با منشأ کبد: غلبه برودت و رطوبت هردو یا

هر یک به تنهایی (۹).

جدول ۴ ارتباط رطوبت زبان را با اختلال اخلاط و اندام‌ها را نشان می‌دهد.

۵- حرکت (میزان سرعت و کثرت و سبکی کلام)

۱-۵- ثقل زبان: گرانی سخن، سنگینی سخن.

۱-۱-۵- منشأ خود زبان: که از سوءمزاجی در زبان ناشی

می‌شود.

- غلبه خشکی به افراط در زبان: سوءمزاج حار مفرط در عضلات زبان همراه با خشکی و لاغری و تشنج زبان (ایجاد تشنج استفراغی). امکان وقوع آن بعد از تب‌های حاره وجود دارد (۹)، خوردن چیزهای برنده و تیز (۱۶).

- غلبه تری به افراط در زبان: عارضه فلجی و استرخا در زبان همراه با عدم تشنگی و آبرفتن از دهان و سفیدی زبان به سبب غلبه بلغم بروز پیدا می‌کند (۱۷).

- غلبه رطوبت غلیظه بر زبان و ایجاد تشنج امتلائی (ایجاد تمدد) همراه با دشواری حرکت‌دادن زبان به طرف بالا، اما سهولت حرکت‌دادن به طرف پایین به سبب سنگینی وزن آن. اگر تمدد به جهت مبدا باشد باعث کوتاهی و سطبری زبان است و اگر به خلاف مبدا باشد، باعث درازی آن است (۹).

- کوتاهی رباط زیر زبان: یا مادرزادی است یا به سبب زخمی که بعداً ایجاد شده است. این رباط گاهی از سر تا انتهای زبان پیوسته متصل است و گاهی فقط به انتهای زبان متصل است و امکان انبساط آن چنانچه لازم است انجام نمی‌گیرد و در این صورت است که زبان به راحتی نمی‌تواند از

۵-۵-۱- منشأ دماغ: به سبب غلبه رطوبت دماغ، نرمی و استرخا در عضلات و عصب زبان ایجاد شده و فرد قادر به ادای پیوسته کلمات نیست (۶).

۵-۵-۲- منشأ قلب: غلبه حرارت بسیار در قلب همراه با کف در دهان (۳).

۶- اندازه و شکل

۶-۱- بزرگی زبان: مطابق با شکل ۵، حالتی است که حجم زبان به سبب تشریب رطوبات فضلیه دماغی افزایش یافته است.

- اگر فربهی زبان همراه با سرخی زبان باشد، ناشی از غلبه خون در دماغ است.

- اگر فربهی زبان همراه با سپیدی زبان باشد، ناشی از غلبه بلغم در دماغ است (۶).

۶-۲- ادلاع (فربهی) زبان: مطابق با شکل ۶، حالتی است که زبان به قدری بزرگ می‌شود که در دهان نمی‌گنجد و ناشی از غلبه رطوبات فضلیه دماغی (دموی یا بلغمی) است که توسط زبان تشریب می‌شود (۱۹).

۶-۳- هزال (لاغری) زبان: مطابق با شکل ۷.

۶-۳-۱- اگر همراه با زردی زبان باشد:

- غلبه صفرا در دماغ.

- کاستی قوت بدن به خصوص در ناقهین به سبب کمی خون بدن و افراط برودت بدن.

۶-۳-۲- اگر همراه با تیرگی زبان باشد:

- غلبه سودا در دماغ.

- سقوط قوت بدن و نزدیکی مرگ (۶).

۶-۴- تشنج زبان: حالتی است که موجب دشواری تکلم و کوتاهی زبان و نافرمانی آن در حرکات می‌گردد و به دو صورت در زبان ممکن است رخ دهد: نوع اول این اختلال تشنج در یک طرف عضله زبان است که شامل انحراف زبان به طرف مقابل است؛ نوع دوم: تشنج در دو طرف عضله: عدم امکان دو تا کردن زبان. علت:

۶-۴-۱- غلبه خشکی: مثال متعاقب استفرافات، حمیات

محترقه.

۶-۴-۲- غلبه امتلا: ناگهانی رخ می‌دهد (۶).

دهان بیرون آمده، به کام برسد و سخن‌گفتن به دشواری صورت می‌گیرد (۹).

- ورم صلب در زبان که یا از ابتدا صلب بوده و یا بعداً به سبب جراحات زبان به ورمی صلب تبدیل شده است که این ورم صلب و محکم باعث دشواری سخن‌گفتن می‌شود (۹).

- گسستگی عصب محرکه زبان به واسطه ضربه به پشت سر (۹).

۵-۱-۲- منشأ دماغ: غلبه رطوبت دموی یا بلغمی در دماغ موجب استرخای عضلات زبان گشته و ثقل لسان ایجاد می‌کند.

- نسیان: غلبه بلغم در دماغ و ثقل زبان همراه با سفیدی زبان و زیادی بزاق (۹).

- لیشرغس: غلبه بلغم در دماغ و ثقل زبان همراه با سفیدی زبان و زیادی بزاق (۹).

- فالج: غلبه بلغم در دماغ و ثقل زبان همراه با سفیدی زبان و زیادی بزاق (۹).

- متعاقب سرسام یا برسام (اندفاع فضول از دماغ به سوی اعصاب زبان در مسیر بحران) (۹).

- هنگام نزدیکی حمله انواع صرع (۹).

- کابوس (۱۸).

۵-۲- لثغه: عدم ادای درست حرف سین و راء.

۵-۲-۱- منشأ دماغ: به سبب غلبه رطوبت دماغ، نرمی و استرخا در عضلات و عصب زبان ایجاد شده و ادای درست سین ممکن نیست (۶).

۵-۳- تمتمه: سخن تا ناک یا میم ناک‌گفتن.

۵-۳-۱- منشأ دماغ: به سبب غلبه رطوبت دماغ و ضعف دماغ، نرمی و استرخا در عضلات و عصب زبان ایجاد شده و ادای درست کلام ممکن نیست (۶).

۵-۴- فافای: تکرار حرف فاء در کلام.

۵-۴-۱- منشأ دماغ: به سبب غلبه رطوبت دماغ و ضعف دماغ، نرمی و استرخا در عضلات و عصب زبان ایجاد شده و ادای درست کلام ممکن نیست (۶).

۵-۵- لکننت زبان: دو منشأ دماغی و قلبی دارد.

۵-۶- تشقق (شکاف برداشتن) زبان: مطابق با شکل

۸. علت:

۱-۵-۶- منشأ عام: غلبه صفرا همراه با خشکی دهان و تشنگی (۱۶).

۲-۵-۶- منشأ دماغ: غلبه حرارت و خشکی در دماغ (همراه با بیخوابی) که از طریق اعصاب به زبان رسیده و چون زبان عضوی نرم و متخلخل است شقاق منقعر (فرورفته) ایجاد می‌کند، به حدی که مانع خوردن می‌شود و هنگام لمس غذای ترش و نمکین، درد و سوزش ایجاد می‌شود (۹).

۳-۵-۶- منشأ معده: غلبه اخلاط سوخته در معده و صعود بخارات گرم از آن و ایجاد تشقق در زبان. از جمله نشانه‌های آن پدید آمدن آروغ دودناک است و این‌که دهان مزه خلط موجود را پیدا می‌کند (۹).

۴-۵-۶- منشأ کبد: غلبه گرمی و خشکی در کبد (۱۰). خوردن مواد با ترشی یا عفوصت بسیار در اثر برخورد به سطح زبان موجب تشقق زبان می‌گردد (۱۰).

۵-۶- تقشر (جداشدن پوست) زبان: مطابق با شکل

۹. وجود بخار گرم خلنده تیز که موجب سوزش و خشکی غشای زبان شود، از جمله نشانه‌های آن این‌که اگر زبان را با پارچه‌ای بمالند، از آن پوسته‌های باریک سپید شبیه پوست پیاز جدا می‌شود و درد ندارد (۹).

۶-۶- ضِفْدَع لسان (زبان قورباغه‌مانند): مطابق با

شکل ۹. ایجاد غده‌ای سخت در زیر زبان. علت نامگذاری آن به ضفدع آن است که رنگ آن مانند رنگ قورباغه است. علت: تحلیل قسمت لطیف بلغم لزج یا خون در اثر غلبه حرارت و خشکی و باقی‌مانده به صورت صلب درآمده است (۹).

۷-۶- بثور زبان: مطابق با شکل ۱۱. حالتی است که

روی لایه‌های مخاطی پوشاننده لب‌ها، زبان و دهان زخم‌های کوچکی ایجاد می‌شود. نخست تاول کوچک برجسته است، سپس دارای کیسه کوچک آبکی می‌شود و پس از مدتی سر باز می‌کند و زیر آن به اندازه عدس سرخ رنگ و کف آن آبی می‌شود و آن را شکاف چسبیده پنهان می‌سازد و پیرامون آن را خطی سفید و گرد فرا می‌گیرد و دو یا چند روز باقی می‌ماند و بهبود پیدا می‌کند (۱). اگر بثور درد شدید داشته

باشند، ناشی از اخلاط حاره هستند و اگر درد خفیف داشته باشند، ناشی از اخلاط بارده هستند. رنگ هر بثر نمایانگر خلط مربوطه است. بدین ترتیب بثور سرخ: ماده دموی، بثور سفید: ماده بلغمی، و بثور سیاه: ماده سوداوی (۶). اغلب بثور از نوع ماده دموی هستند و امکان وقوعشان به سبب ماده بلغمی و سوداوی کم است. از جمله علل آن:

۱-۷-۶- منشأ دماغ: به سبب حرارت و بخارات سر (۶).

۲-۷-۶- منشأ معده: گرمی معده (۶).

۳-۷-۶- منشأ کبد: ورم صفراوی کبد همراه با زردی زبان و تشنگی مفرط و بثور صغار در زبان که در آخر زبان سیاهی می‌زند (۹).

- خون حاد به اختلاط قدری صفرا (۹).

- حمیات یا تب‌ها: اگر در حمیات بثور سیاه تیره بر زبان

بیمار بیفتد، بیمار در روز دوم می‌میرد (۶).

- مصرف مسخنات محترقه که در صورت برخورد به سطح زبان باعث ایجاد بثور می‌شوند (۶).

۸-۶- قلاع زبان: مطابق با شکل ۱۲. حالتی است که در

جلد دهان زخم‌ها انتشار و اتساع می‌یابند، به طوری که تمام دهان را فرا می‌گیرد و گاه به سبب کثرت ماده و ردائت آن به طبقه داخلی دهان و مری و معده می‌رسد. فرق قلاع و بثور در فم آن است که قلاع دهانه غیر متفرق (پیوسته) همراه با نتوء (برآمده و بیرون آمده از جای خود) و تعفن دارد، از جمله انواع قلاع‌ها: دموی، بلغمی، سوداوی و کم‌تر صفراوی می‌باشد، البته در تمام قلاع‌ها صفرا ممزوج است، لیکن امکان صفرای محض بودن نادر است. در کودکان ردائت شیر یا سوءهاضمه معده یا تب‌های وبایی می‌تواند موجب ایجاد قلاع زبان گردد.

در میان قلاع‌ها، قلاع‌های بلغمی و دموی آسان‌تر از قلاع‌های صفراوی و سوداوی درمان می‌پذیرند و قلاع ازرق (به رنگ کبود) جزء صعب‌العلاج‌ترین قلاع‌هاست (۶).

۱-۸-۶- قلاع دموی: بیشتر در گرم مزاجان دیده می‌شود،

در اثر غلبه حرارت، خوردن خرما یا گردو، مداومت در مصرف مواد تلخ می‌تواند رخ دهد و همراه با حرارت، سرخی و برآمدگی زبان است (۶، ۹).

جدول ۷ ارتباط وجود کف در زبان را با اختلال اندامها نشان می‌دهد.

۸- تغییر در حس چشایی

۸-۱- **باطل شدن ذائقه:** عدم احساس مزه و گاه به حدی است که فرقی بین حرارت و برودت نیز ممکن نیست، در این حالت درک حرارت و برودت به حس لمس وابسته است. علت آن غلبه فضول رطوبیه به اطراف عصب حساسه نرم زبان و سطح دهان و تشریب توسط عصب و مسدود شدن نفوذ قوت ذائقه در اثر ورم و استرخاء رطوبی می‌باشد.

۸-۲- **فساد ذوق (تغییر چشایی):** بر دو قسم می‌باشد: قسم اول آنکه احساس طعم در زبان بدون چشیدن غذا محسوس می‌گردد؛ قسم دوم آنکه هنگام چشیدن غذا، طعمی برخلاف طعمی که می‌چشد، محسوس می‌گردد.

در نوع اول چون سبب قوی است، حس چشایی مزه آن را پیوسته احساس می‌کند، ولی در نوع دوم چون چشایی ضعیف است، احساس طعم نمی‌کند، مگر این که چیزی بچشد و حس چشایی متوجه آن شود و از آنجا که خلط عامل بیماری در اجزا است، جز طعم خلط چیز دیگری احساس نمی‌شود.

اگر به سبب صفرا باشد، دهان همواره تلخ است (نوع اول) و هنگام چشیدن نیز تلخ است (نوع دوم). اگر به سبب خون باشد، همواره شیرین است (نوع اول). نیز هنگام چشیدن شیرین است (نوع دوم). اگر به سبب سودا یا بلغم حامض باشد، همواره ترش است (نوع اول) و هنگام چشیدن نیز محسوس خواهد بود (نوع دوم). اگر به سبب بلغم مالچ باشد، همواره شور است (نوع اول) و هنگام چشیدن نیز حس خواهد شد (نوع دوم) (۹).

جدول ۸ ارتباط احساس چشایی را با اختلال اخلاط نشان می‌دهد.

بحث

از آنجا که جرم زبان نازک بوده و عضوی است متخلخل و بخارپذیرنده، از تغییر کیفیات بدن و غلبه اخلاط و آسیب سایر ارگانها زودتر متأثر می‌گردد. بدین سبب زبان از ابزارهای مهم در علامت‌شناسی بیماری‌های بدن است. مزاج عارضی بر بدن

۲-۸-۶- قلاع بلغمی: علت آن ناشی از رطوبت مالچ بلغمی است که در اثر ملوحت موجب ایجاد قلاع شده است. قلاع به رنگ سفید بوده و درد آن نسبت به قلاع دموی کم‌تر است و به سبب انتفاخ (بادکردگی) غشای دهان مانند ورمی نرم است (۹، ۶).

۳-۸-۶- قلاع سوداوی: علت آن ناشی از سودای حاد محترق است. قلاع به رنگ سیاه همراه با درد و خشکی و زیادی سوزش است (۹، ۶).

۴-۸-۶- قلاع صفراوی: علت آن ناشی از صفرا است. قلاع به رنگ زرد همراه با التهاب است و امکان وقوع آن کم است (۶).

۹-۶- **آکله زبان یا قروح خبیثه:** حالتی است که در زبان زخمی عمیق و متعفن پدید می‌آید و این زخم همانطور که از نامشان پیدا است، خاصیت خورندگی دارند و می‌توانند در گوشت زبان فرو روند. بوی بدی دارند و در مدت زمان کم به مواضع بسیار منتشر می‌شود، سرعت انتشار آن وابسته به ردائت ماده ایجادکننده آن است. علت آن خلط عفن لذاع حریف اکال با منشأ دماغ یا اسافل بدن است (۹).

۱۰-۶- **آماس زبان:** انواعی از هر یک از چهار خلط دارد. - نوع دموی آن رنگ سرخ همراه با درد زیاد، متمدد، ضربان دار و با تری کم زبان می‌باشد.

- نوع صفراوی رنگ زرد همراه با درد و سوزش شدید و با وجود بثرات در زبان شناخته می‌شود.

- نوع بلغمی رنگ سفید همراه با درد کم و تری زیاد زبان شناخته می‌شود.

- نوع سوداوی با رنگ سیاه همراه با خشکی زیاد زبان شناخته می‌شود (۹).

جدول ۶ ارتباط شکل و حالت زبان را با اختلال اخلاط و اندامها نشان می‌دهد.

۷- وجود کف در زبان

۱-۷- منشأ دماغ: سکنه، صرع (نزدیکی صرع) (۹).

۲-۷- منشأ قلب: غضب مفرط (غلبه حرارت بسیار بر قلب) همراه با لکنت زبان (۳).

بر رنگ زبان اثر می‌گذارد و در این میان تأثیر تغییرات عارضی دماغ، معده و کبد بر آن قوی‌تر است. دلایل برگرفته از حال زبان متعدد است، مثل آنکه رنگ آن گاهی دلالت بر حال دماغ می‌کند، چنانچه سفیدی بر نسیان، زردی و سیاهی بر قرانیتس، و زردی رو و سبزی زیر آن بر مصروعیت فرد دلالت دارد. گاه از سحنه زبان مثل فربهی یا لاغری آن می‌توان به غلبه رطوبت یا یبوست در دماغ پی برد. همچنین سرعت کلام و کثرت آن بر حرارت و قوت دماغی و بطوء، قلت و کراهت از کلام بر برودت و ضعف دماغی اشاره دارد. البته آنگونه که اشاره شد، زبان شدید الاختصاص به دماغ نیست و تحت تأثیر سایر ارگان‌ها از جمله معده و کبد نیز قرار می‌گیرد، برخلاف چشم که شدید الاختصاص به دماغ است. بدین سبب می‌توان با بررسی زبان به عنوان نماد کوچکی از وضعیت اخلاط بدن اطلاع کسب نمود. همچنین می‌توان به نقش مکمل آن در تشخیص و درمان بیماری‌ها، به خصوص بیماری‌های دماغ، معده و کبد اشاره داشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به شناخت جامعی که حکمای طب ایرانی نسبت به عضو زبان و اهمیت آن داشته‌اند، به نظر می‌رسد تأمل در بیماری‌های زبان از دیدگاه طب سنتی ایران و توجه به درمان‌های ارائه‌شده توسط آن می‌تواند راهی تازه در نحوه رویکرد به بیماری‌ها در میان مکاتب طبیبی کل‌نگر ارائه کند.

جدول ۱: بررسی ارتباط رنگ زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علل / رنگ	سفید	زرد	سرخ	سیاه						اول سرخ بعد زرد				
				غلبه بلغم	غلبه صفرا	غلبه خون	غلبه سودا	احتراق هر خلط	تب محترقه		تب دق	تب بدخیم	کاهش حرارت غریزی	موت
دماغ	سرسام بلغمی	صداع صفراوی	ورم دموی	صرع سوداوی										
	سبات بلغمی													
	نسیان	قرانیطس خالص ناشی از صفرای خالص												
		سرسام خونی												
معدده	سوءمزاج سرد سازج	سوءمزاج حار صفراوی	ورم دموی											
	سوءمزاج رطب سازج													
	سوءمزاج سرد رطب سازج													
کبد	غلبه برودت و رطوبت	غلبه حرارت و خشکی	ورم دموی											
سایر	-	-	وجود ورم گرم در مثانه و رحم	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

جدول ۲: بررسی ارتباط طعم زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علل / طعم	حموضت	حلاوت	مرارت	عفوصت	عفونت
عام	غلبه بلغم	غلبه خون	غلبه صفرا	غلبه سودا	-
دماغ	رطوبت رقیق همراه با حرارت ضعیف	غلبه خون در سر	غلبه صفرا در سر	-	وجود بلغم فاسد و عفونی
	صرع دماغی با علت غلبه سودا	زکام و نزله امتلائی دموی	صداع صفراوی زکام و نزله امتلائی صفراوی		
معدده	وجود رطوبت رقیق همراه با حرارت ضعیف	-	سوءمزاج حار صفراوی	-	وجود بلغم فاسد و عفونی
	سوءمزاج سرد سازج				
	سوءمزاج سرد رطب سازج				
سایر	-	-	-	-	-

جدول ۳: بررسی ارتباط احساس زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علت و اسباب		احساس زبان
غلبه حرارت و خشکی دماغی	دماغ	حرارت
غلبه حرارت و خشکی معدی	معده	
غلبه حرارت و خشکی کبدی	کبد	
غلبه مفرط صفرا	عام	حرقت
غلبه حرارت دماغی	دماغ	
غلبه حرارت قم معدی	معده	
سوءمزاج حار صفراوی		
سوءمزاج بارد یابس		
تجمع خلط مالح در معده		
تناول مواد تیز یا تلخ یا شور	سایر	
وجود خلط حاره محرقه لذاعه	عام	حکه
وجود خلط حاره محرقه لذاعه	دماغ	
وجود خلط حاره محرقه لذاعه	معده	
غلبه رطوبت	دماغ	برودت
غلبه رطوبت	معده	
غلبه رطوبت	کبد	

جدول ۴: بررسی ارتباط میزان رطوبت زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علل و اسباب		میزان رطوبت زبان	
غلبه صفرا		خشکی حقیقی	
غلبه سودا			
تب‌های حارّه			
مرور هوا بر روی زبان به سبب انسداد راه‌های هوایی			
صداع صفراوی	غلبه صفرا	دماغ	
سهر سباتی			
نسیان از نوع فساد تخیل			
حمره و قوبای دماغی			
غلبه سودا مثل سرسام سوداوی			خشکی با منشأ عضوی
صداع ساذج حار	غلبه حرارت یا خشکی		
سهر به سبب سوءمزاج یابس ساذج			
مالیخولیا ناشی از مره سودا			
قطرب			
صبا			
سوءمزاج حار صفراوی		معدّه	
سوءمزاج حار ساذج			
سوءمزاج یابس ساذج			
سوءمزاج حار یابس			
غلبه حرارت		کبد	
غلبه خشکی			
غلبه دم		تری حقیقی	
غلبه بلغم			
سبب با علت تجمع رطوبات خام		دماغ (غلبه بلغم)	
سبب سهری			
نسیان			
رعونت			
کابوس			
صرع			
سکته			
زکام امتلائی			
نزله امتلائی			
مالیخولیا مراقی			
سوءمزاج بارد ساذج		معدّه	
سوءمزاج بارد رطب ساذج			
سوءمزاج بارد رطب با ماده بلغمی لزج			
سوءمزاج رطب ساذج			
غلبه برودت و رطوبت هر دو یا هریک به تنهایی		کبد	

جدول ۵: بررسی ارتباط حرکت زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علت و اسباب		حرکت زبان	
سوءمزاج حار مفرط در زبان	غلبه خشکی مفرط در زبان	منشأ خود زبان	قل زبان
تبهای حاره			
مصرف مواد برنده و تیز			
غلبه بلغم	غلبه تری مفرط در زبان		
غلبه رطوبت غلبظه بر زبان			
کوتاهی رباط زیر زبان			
ورم صلب زبان			
نسیان	منشأ دماغی (غلبه رطوبت دموی یا بلغمی)	دماغ	لثغه
فالج			
نزدیکی انواع صرع			
کابوس			
عقب سرسام یا برسام			
غلبه رطوبت دماغی	دماغ	لثغه	
غلبه رطوبت دماغی و ضعف دماغی	دماغ	تمتمه	
غلبه رطوبت دماغی و ضعف دماغی	دماغ	فافای	
غلبه رطوبت دماغی	دماغ	لکنت	

جدول ۶: بررسی ارتباط شکل و اندازه زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علت و اسباب		شکل و اندازه	
غلبه خون اگر زبان سرخ باشد	دماغ	عظم زبان	
غلبه بلغم اگر زبان سپید باشد			
دموی	دماغ	ادلاع زبان	
بلغمی			
غلبه صفرا در دماغ	همراه با زردی زبان	هزال زبان	
ضعف قوت به خصوص در ناچهین			
غلبه سودا در خون	همراه با تیرگی زبان		
سقوط قوت در بدن و نزدیکی مرگ			
عقب استفراغات	غلبه خشکی	تشنج زبان	
حمیات محترقه	غلبه امتلاء		
غلبه صفرا	عام	تشقق زبان	
غلبه حرارت و خشکی	دماغ		
غلبه اخلاط سوخته	معدده		
غلبه حرارت و خشکی	کبد		
خوردن مواد با ترشی یا عفوصت بسیار	سایر		
وجود بخار گرم خلنده تیز		تقشر زبان	
غلبه حرارت و خشکی		ضفدع زبان	
حرارت و بخارات سر	دماغ	بثور زبان	
حرارت معدده	معدده		
ورم صفراوی کبد	کبد		
خون حاد به اختلاط کمی صفرا	سایر		
تأثیر حرارت غریبه			
حمیات یا تبها			
مصرف مسخنات محترقه			
غلبه حرارت	دموی	قلاع زبان	
خوردن خرما یا گردو			
مداومت در مصرف مواد تلخ			
رطوبت مالح بلغمی			بلغمی
سودای حاد محترق			سوداوی
ناشی از غلبه صفرا	صفراوی		
خلط عفن حریف اکال با منشأ دماغی یا اسافل بدن			آکله زبان
غلبه خون	دموی	آماس زبان	
غلبه صفرا	صفراوی		
غلبه بلغم	بلغمی		
غلبه سودا	سوداوی		

جدول ۷: بررسی ارتباط وجود کف در زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علل و اسباب		وجود کف در زبان
صرع	دماغ	
سکته		
قلب (غلبه حرارت مفرط)		

جدول ۸: بررسی ارتباط احساس چشایی زبان با اختلال اخلاط و اندامها

علل و اسباب		احساس چشایی زبان
غلبه فضول رطوبیه به اطراف عصب حساسه نرم زبان		باطل شدن ذوق
غلبه صفرا	تلخ	احساس دائمی یا موقتی طعم دیگر (سبب قوی یا ضعیف)
غلبه خون	شیرین	
غلبه سودا	ترش	
غلبه بلغم حامض		
غلبه بلغم مالح	شور	تغییر ذوق



شکل ۱: بار سفید روی زبان



شکل ۲: بار زرد روی زبان



شکل ۳: سرخی زبان



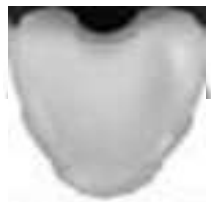
شکل ۴: بار سیاه روی زبان



شکل ۵: بزرگی زبان



شکل ۶: ادلاع لسان



شکل ۷: هزال زبان



شکل ۸: تشقق زبان



شکل ۹: تقشر زبان



شکل ۱۰: ضفدع لسان



شکل ۱۱: بثور زبان



شکل ۱۲: قلاع زبان

References

1. Razi MZ. Al-Mansuri fi al-Tibb. Edited by Zaker ME. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2008. Vol.1 p.104, 113, 517, 525, 789. [Arabic]
2. Shah Arzani MA. Mofarrah al gholoob (explanation of Ghanoncheh). Edited by Choghamini M. Lahore: Islamic Publication; 2010. Vol.1 p.92, 191. [Arabic]
3. Aghili SMH. Kholasatol Hekmah. Edited by Nazem I. Tehran: Ismailian Publications; 2006. Vol.1 p.103, 115. [Persian]
4. Jorjani I. Zakhireh-i Kharazmhahi. Qom: Natural Revival Institute; 2012. Vol.2 p.208-209; Vol.3 p.462. [Persian]
5. Mozaffarpur SA, Saghebi R, Mojahedi M. The significance of tongue in traditional Persian medicine. *Med Sci* 2016; 18(8): 73-79.
6. Nazem Jahan MA. Eksire Azam. Tehran: Iran University of Medical Sciences publications, Institute of Medical History Studies, Islamic Medicine and Supplement; 2008. Vol.1 p.36, 139; Vol.2 p.6-9. [Persian]
7. Avicenna. Qanun fi al Tib [Canon of Medicine]. Beirut: Ehyaol Toras al-Arabi Press; 2010. Vol.1 p.158; Vol.2 p.214; Vol.3 p.83.
8. Shirazi M. Qiyasieh. Qom: The Natural Medicine Revival Institute of Qom; 2012. Vol.1 p.74, 77. [Persian]
9. Shah Arzani MA. Tebbe Akbari. Qom: Jalal al-Din. 2008. Vol.1 p.1-107, 373-616; Vol.2 p.695, 697, 708. [Persian]
10. Baha al-Dawlah B. Kholastol Tajarob. Tehran: Tehran University of Medical Sciences Publications; 2008. Vol.1 p.168, 179, 286. [Persian]
11. Jorjani I. Yadgar in medical and pharmaceutical science. Tehran: Tehran University, Islamic Studies Institute of Tehran; 2002. Vol.1 p.75, 172, 223. [Persian]
12. Jorjani I. Al-Aghraz al Tebbiyah va al-Mabehes al Alaeiyah. Tehran: Iran Culture Foundation; 1966. Vol.1 p.447. [Persian]
13. Chaghmini M. Ghanoonche fi al-Tibb. Edited by Nazem I. Tehran: Ajeh Publishing House; 2010. Vol.1 p.187. [Persian]
14. Imani B. Ganjineh Baharestan. Tehran: Library of the Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly; 2001. Vol.2 p.188. [Persian]
15. Shirazi M. Kefayatol Mansoori. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2003. Vol.1 p.459. [Persian]
16. Yousefi Heravi Y. Tebbeh Yousefi. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2003. Vol.1 p.50-51. [Persian]
17. Jorjani I. Khofi Alaei. Tehran: Ettelaat Publicaton; 1990. p.162. [Persian]
18. Ashtiani M. Tazkerat al-Allaj. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2008. Vol.1 p.20. [Persian]
19. Shah Arzani MA. Mizan al-Tebb. Qom: Sama Cultural Institution; 2001. Vol.1 p.78. [Persian]